



چطوری پول اسکیت را جور کنم؟



نویسنده: مرسر میر

مترجم: سودابه فرخلده

معرفی شده

در کتابخانه
آموزش و پرورش





اسکیت من کهنه شده. شکسته.

من یکی اسکیت جدید می خواهم. به بابا می گویم.





بابا می‌گوید:

«باید پول داشته باشی. چقدر پول داری؟»

شیشه‌ی سکه‌هایم را می‌آورم و می‌گویم:

«این قدر بس است؟»



بابا می‌گوید: «برای خرید اسکیت باید پول بیشتری جمع کنی.»





می‌گویم: «کارهای خانه را می‌کنم و کلی پول درمی‌آورم.»





از کارهایی که می‌توانم با انجامشان پول دریاورم
یک فهرست درست می‌کنم.

اول به سگ غذا می دهیم . اما بسته ی خوراکی خیلی بزرگ است .



ظرف ها را از توی ماشین ظرف شویی بیرون می آورم که سر جای شان بگذارم.

ولی ظرف ها خیلی سنگین اند.





اتاقم را تمیز می‌کنم و مامان یک سکه به من می‌دهد.





شربت لیموناد می فروشم و پول بیشتری درمی آورم.

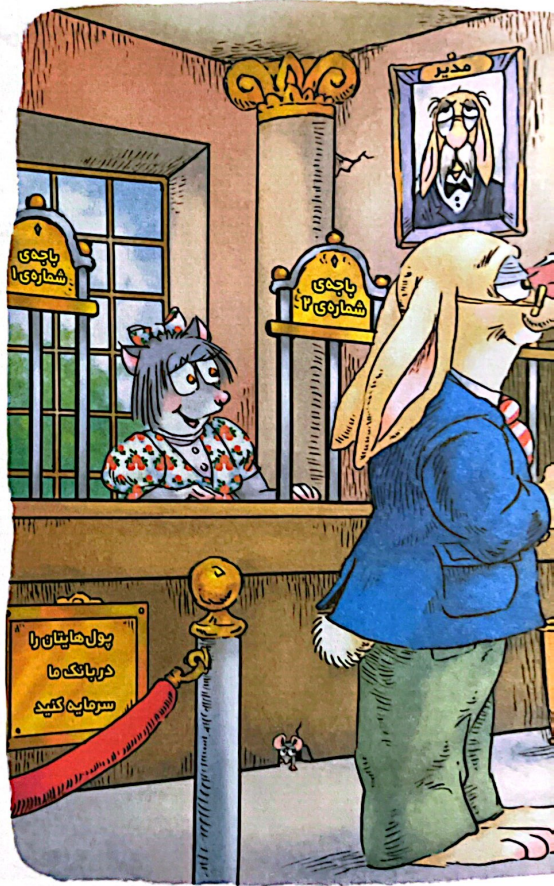


کلی پول توی شیشه‌ی سکه‌هایم جمع می‌کنم.
بابا می‌گوید:
«تو یک حساب پس‌انداز لازم داری.»



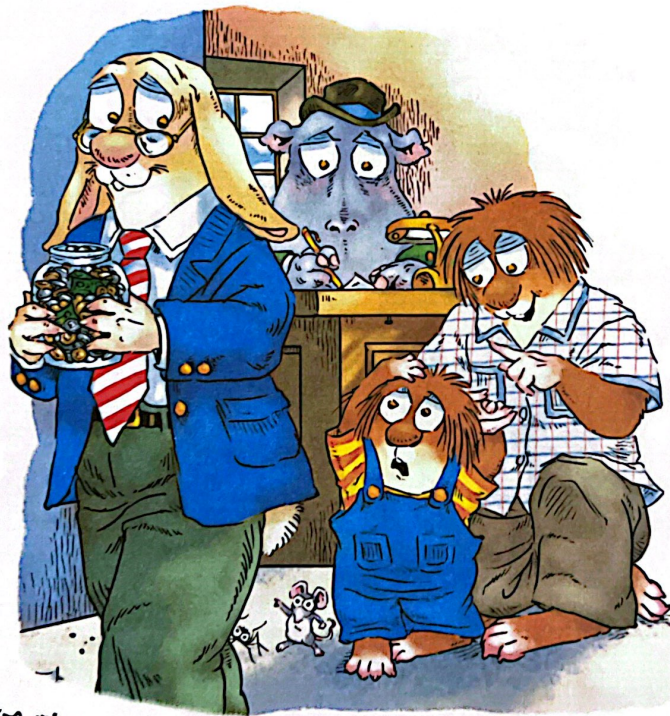


بابا من رابه بانک می برد.
 با رئیس بانک ملاقات می کنیم.

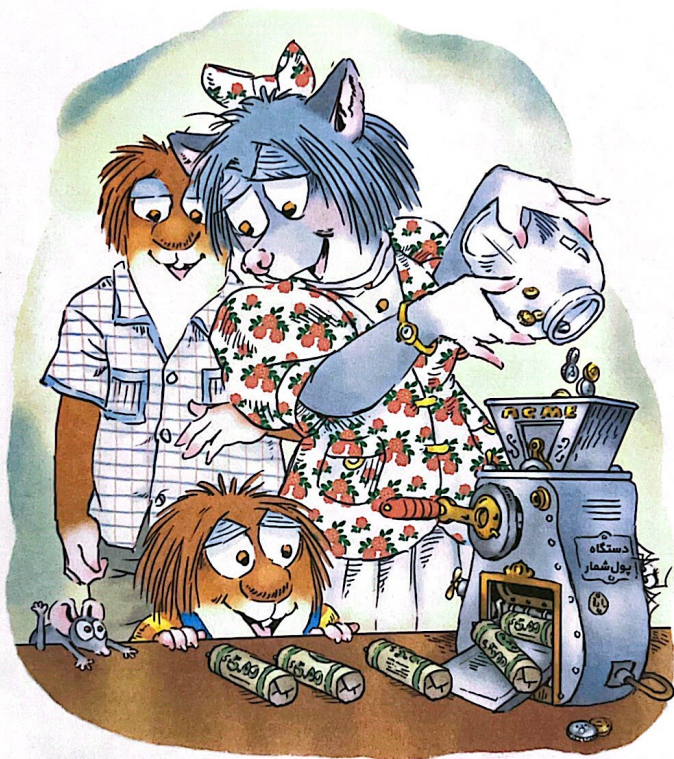


بابا فرم‌های بانکی را پر می‌کند و من هم اسم خودم را می‌نویسم.



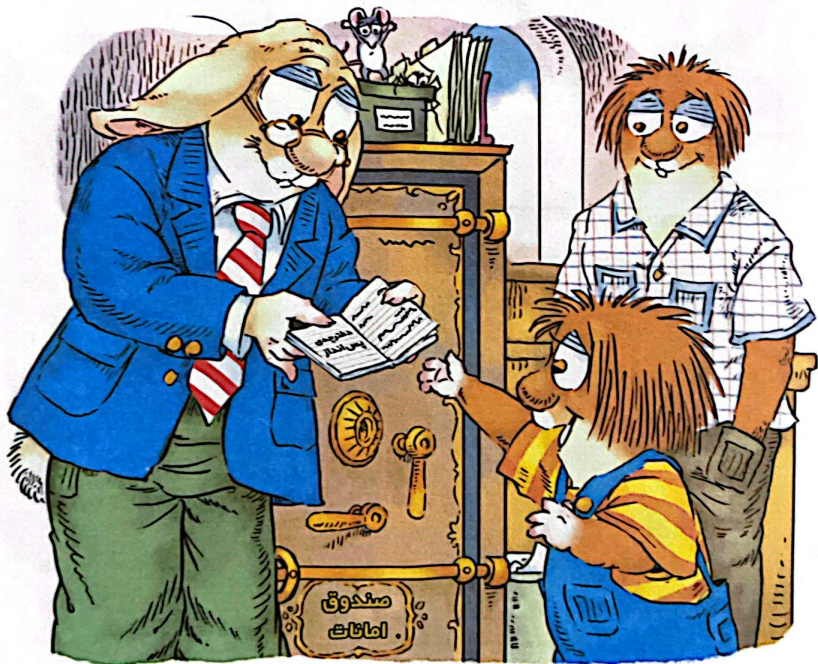


آقای رئیس شیشه‌ی سکه‌هایم را می‌گیرد و می‌برد. حسابی حالم گرفته می‌شود.
 بابا می‌گوید: «نگران نباش.»



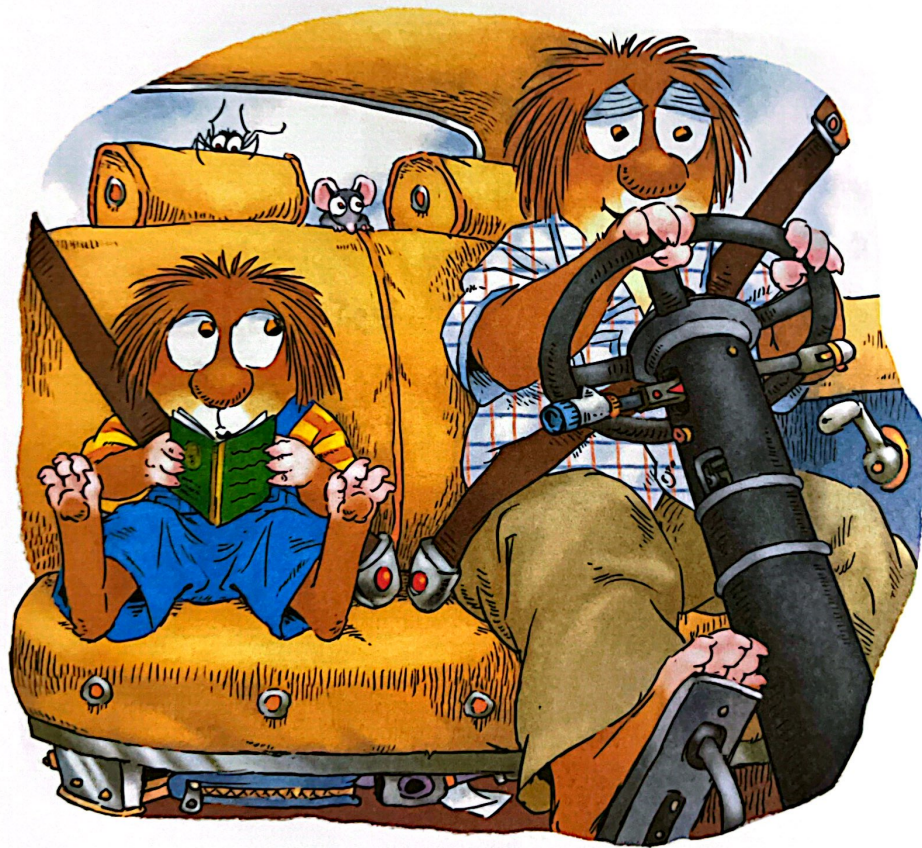
سکه هایم را توی یک دستگاه خالی می کنند.

من یی دفترچه می گیرم.
توی دفترچه نوشته شده که من چقدر پول دارم.



می پرسم:

«بابا؟ الان می توانم اسکیت بخرم؟»

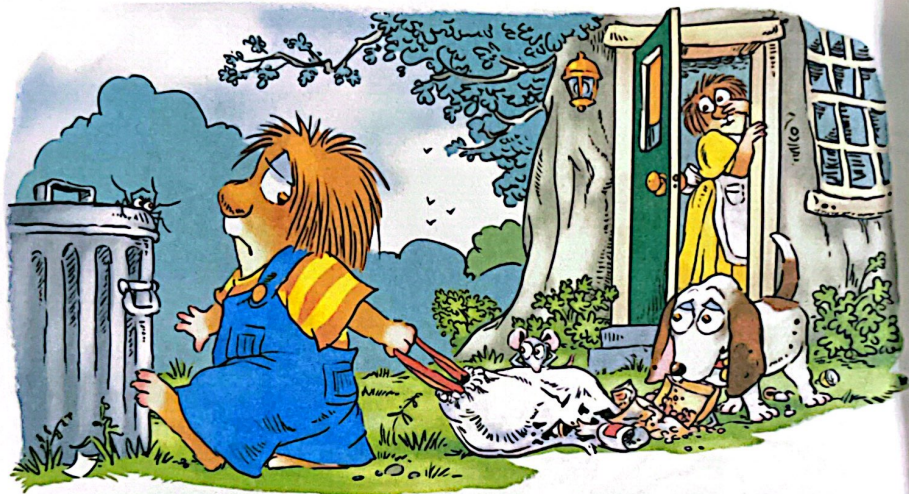


بابا می گوید:

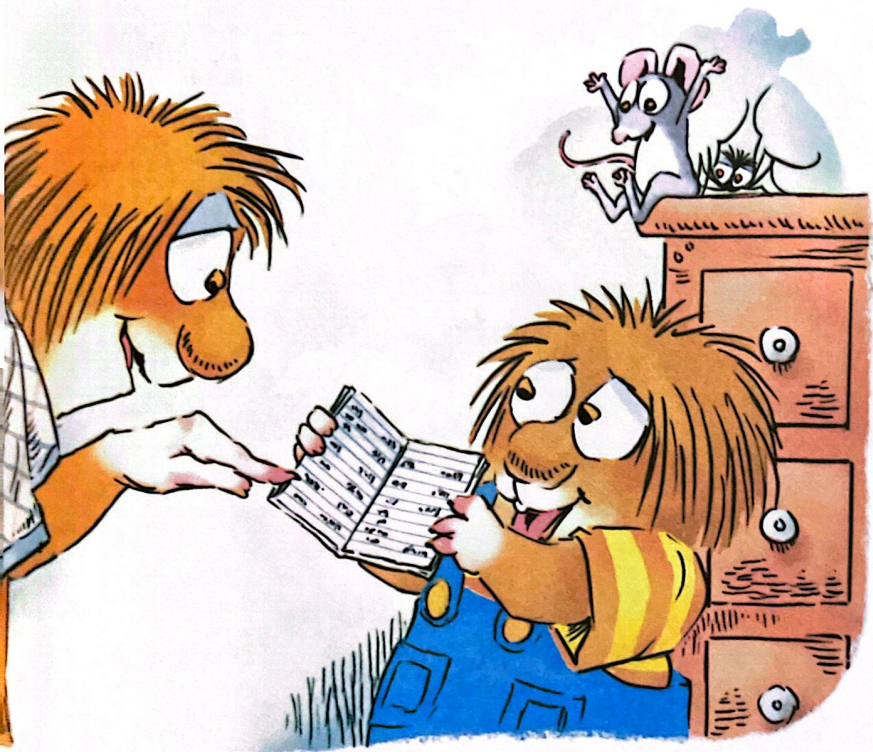
«فعلاً نه. باید پول بیشتری جمع کنی.»



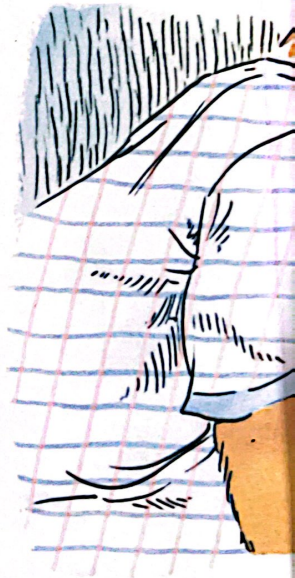




هر روز کارهای خانه را انجام می‌دهم
تا پول بیشتری بگیرم.



بالأخره پول کافی
برای خرید یک اسکیت جدید جمع می‌کنم.





اما دیگر اسکیت نمی خواهیم.

حالا دلم یک ربات دایناسور می خواهد.



شرکت
تولید اسباب بازی

موبایل

اسکیت

که عاشقش
می شوید

من گویم:

«بابا، خیلی خوشحالم که پولم را پس انداز کردم!»

